

جنگ‌های ترکیبی :

2. آزمون نظریه جنگ ترکیبی در مورد سوریه و اوکراین

آندریوف کوریبکو



Guerras híbridas :

2. Testons la théorie en Syrie et en Ukraine

Par Andrew Korybko (USA) – Le 11 mars 2016 – Source [Oriental Review](#)



درباره آندریوف کوریبکو

تحلیلگر سیاسی آمریکائی مستقر در مسکو، کارشناس امور استراتژیک ایالات متحده در آفریقا، اورآسیا، راه ابریشم نوین و جنگ ترکیبی است. او در حال حاضر به عنوان تحلیلگر سیاسی در آژانس اسپوتنیک کار می کند و دوره دکترا در انستیتو

دولتی مناسبات بین المللی مسکو MGIMO بوده و « جنگ ترکیبی، رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم» [Guerras hybrides: l'approche adaptative indirecte pour un changement de régime](#) (2015) یکی از نوشته های اوست. مقاله حاضر به کتاب نظریه جنگ ترکیبی در آینده ضمیمه خواهد شد.

اورینتال ریویو : کتاب آندریوف کوریپکو، جنگهای ترکیبی : رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم، مشخصاً به وضعیتی می پردازد که سوریه و اوکراین را نخستین قربانیان جنگ ترکیبی ایالات متحده معرفی می کند، ولی بُرد مقاله به شکلی بیان شده که ابداعات نام برده در بخش 1² که در انتشار اصلی درج نشده است، در کل طول حرکات اهمیت خود را نشان می دهد. هدف نشان دادن کشف جدید و جوهی ست که می تواند در نظریه عمومی ادغام گشته و درک آن را به شکل کاملتری ممکن کند و به ناظران اجازه دهد تا با دقت بیشتری آینده میدان های نبرد را که جنگهای ترکیبی می تواند در آنجا روی دهد تشخیص دهند.

این بخش از پژوهش در ادامه الگوی نظریه پرداختی که توضیح داده شد واقع شده است. این بخش از تعیین کننده های ژئو استراتژیک و اقتصادی در پشت پرده جنگهای سوریه و اوکراین حرف می زند، پیش از آنکه به بررسی شکنندگی های ساختار اجتماعی سیاسی بپردازد که ایالات متحده می خواهد با احتساب کسب توفیق به درجات مختلف از آنها بهره برداری کند. آخرین بخش شامل نظریه پیش شرط اجتماعی و ساختاری ست و مختصراً توضیح می دهد چگونه در هر وضعیتی حضور داشته است.

تعیین کننده های ژئو استراتژیک

سوریه :

جمهوری عرب که به شکل سنتی لائیک است در طرح انقلاب رنگی صحنه پردازی شده به کارگردانی ایالات متحده در کوران بهاران عرب به سال 2011 بلعیده شد. اگر بخواهیم به اختصار بیان کنیم، بنیادهای استراتژیک این عملیات فوق العاده بزرگ، طرح ایالات متحده عبارت بود از کمک به گروه فراملی اخوان المسلمین که می بایستی از الجزائر تا سوریه از طریق یک سری عملیات تغییر رژیم همزمان علیه دولتهای رقیب (سوریه)، همکاران نامطمئن (لیبی)، و دولت های ماهواره ای استراتژیک مربوطه از طریق

² مترجم : ترجمه بفارسی آندریوف کوریپکو زیر عنوان : جنگهای ترکیبی : 1. قانون جنگ ترکیبی

انتقال اجتناب ناپذیر حاکمیت (مصر، یمن) به قدرت برسند. محیط استراتژیک حاصله از آن می بایستی جنگ سرد در اروپای شرقی را مجدداً به روی صحنه بازی کند، با این حساب که هر یک از دولتها از سوی یک حزب (اخوان المسلمین بجای حزب کمونیست) و زیر کنترل نیابتی یک پشتیبان خارجی اداره شود، در این صورت یک شرکت مشارکتی به ریاست ترکیه و قطر با دست پنهانکار ایالات متحده.



سوریها در دمشق به پشتیبانی از رئیس جمهور بشار اسد، اکتبر 2011

این کنفدراسیون ایدئولوژیک که به شکل ابهام آمیزی سازماندهی شده به اندازه کافی پراکنده بوده تا اینکه از طریق تاکتیکهای ساده «اختلاف بیانداز حکومت کن» قابل کنترل باشد (با جلوگیری همیشگی از تشکیل هر گونه سازمان مستقل بین عربستان سعودی و دولتهای خلیج [فارس])، ولی از سوی دیگر باید به سادگی در بسیج نفرت فرقه ای آنها علیه ایران و منافع این کشور در منطقه تحریک پذیر باقی بمانند، یعنی وضعیتی که آنان را به ابزاری فوق العاده انعطاف پذیر برای ترویج استراتژی کلان آمریکا در خاورمیانه تبدیل می کند. با توجه به منشأ هرج و مرج آسای این دام³ ژئوپلیتیک، از پیش تعیین شده است که عناصر آن می تواند احتمالاً بر اساس طرح تحقق نیابد و فقط تحقق جزئی این طرح می تواند در کوران نخستین اقدامات واقعاً به انجام رسد، و مشخصاً به همین گونه نیز روی داد، یعنی وقتی که مردم سوریه در مقابل این تهاجم جنگ ترکیبی ایستادند و شجاعانه برای دفاع از دولتی با سابقه تمدنی طولانی فراسوی قرنهای مبارزه کردند. می توانیم بگوئیم که سوریه همیشه به مثابه مهمترین هدف استراتژیک بین همه کشورهای متأثر از بهار عرب مطرح بوده و این واقعیت فراسوی پنج سال⁴ جنگ ترکیبی ناامید کننده به اثبات رسیده

³ مترجم : در متن کلمه Gambit استفاده شده که من آن را [دام] ترجمه کردم، در اصل به معنای نوعی استراتژی در بازی شطرنج است که سربازی را برای کسب امتیاز بیشتر در حرکت بعدی قربانی می کنند.

⁴ مترجم : روشن است که تاریخ این نوشته مارس 2016 و امروز نوامبر 2019 هستیم و پس از هشت سال جنگ در سوریه همچنان ادامه دارد.

است که در پاسخ به نخستین تلاش ایالات متحده برای تغییر رژیم علیه این کشور به راه افتاد و به شکست انجامید.

در مقایسه، مصر، پر جمعیت ترین کشور عرب از وقتی که دولت اخوان المسلمین (برادران مسلمان) را که از جانب آمریکائی ها تحمیل شده بود سرنگون کرد فقط مجبور شد در سطح نازلی با تروریسم (تروریسم به مدیریت قطر) در سحرای سینا مقابله کند. علت این فاصله عظیم در مقایسه با اهداف استراتژیک مهم آمریکائی ها که مربوط است به تعیین کننده های ژئواستراتژیک در پشت پرده جنگ علیه سوریه. این موضوع را کمی دورتر توضیح خواهم داد.

اوکراین :

تعیین کننده های ژئواستراتژیک در پشت پرده جنگ در اوکراین خیلی ساده تر از جنگ علیه سوریه است، و اغلب آنها در نخستین بخش⁵ وقتی که از استراتژی «بازگشت برژینسکی»⁶ حرف می زنیم توضیح داده شده است، دام ژئوپلیتیک. بخشی از انگیزه پنهان در سرنگونی دولت اوکراین، با شروع قتل عامهای ضد روسی که متعاقباً به وقوع پیوست جذب روسیه در دام مداخله جویانه مشابه سال 1979 در افغانستان بود. جنگ علیه دونباس تجدید حیات این اقدام واکنش بود که توفیقی در بدست آوردن اهدافش نداشت ولی خیلی بیشتر موفق شد کل سرزمین اوکراین را به سلاح ژئوپلیتیک علیه روسیه تبدیل کند.

⁵ [partie 1](#)

مترجم : ترجمه فارسی : جنگهای ترکیبی : 1. قانون جنگ ترکیبی

⁶ [Revers Brzezinski](#)



نقشه سیاسی اوکراین پیش از کودتای فوریه 1914

کلام قصار مشهور برژینسکی می گوید که « بدون اوکراین، روسیه جایگاهش را به عنوان امپراتور اورآسیائی از دست خواهد داد»⁷، با وجود این وقتی این موضوع را مطرح می کرد بینش دیگری در ذهنش داشت (او فکر می کرد که روسیه به شیوه امپراتوری در منطقه برای باززائی شوروی خواهد کوشید). از دیدگاه ژئوپلیتیک کلام قصار او حاوی بسیاری از واقعیات بنیادی ست. امنیت ملی فدراسیون روسیه در ابعاد گسترده بستگی به رویدادهای اوکراین دارد، به ویژه حاشیه وسیع غربی و یک دولت مخالف روسیه در کی یف که حاضر است میزبان زیربنای دفاع ضد موشکی آمریکا باشد (و این شیوه بیان یا حسن تعبیر آرامش بخشی ست برای کتمان افزایش شانس ایالات متحده در خنثی سازی توان دومین ضربه روسیه و در نتیجه کسب وضعیت برتر در باج خواهی و تهدید اتمی) و بر این اساس تهدید بزرگ استراتژیکی را [علیه روسیه] تشکیل خواهد داد. برای بازتعریف برژینسکی و مشخص تر نمودن کلام قصار او می توانیم بگوئیم که «اگر غرب بتواند در آلت دست قرار دادن اوکراین تا جائی توفیق بدست آورد که این کشور را به دشمن دراز مدت روسیه تبدیل کند، در این صورت مسکو برای بلند پروازیهای چند قطبی آینده اش به مانع ژئواستراتژیک کلانی برخورد خواهد کرد».

⁷ [aphorisme de Brzezinski](#)

سناریوی مصیبت بار اوکراین در میزبانی یگانهای دفاع ضد موشکی ناتو یا ایالات متحده هنوز نقش خود را کاملاً بازی نکرده است، ولی کشور هنوز به برداشتن چند گام کوچک تا پیوستن به ناتو در جایگاه عضو⁸ تمام عیار فاصله دارد، موضوعی که موجب بخشی از مشارکت می شود، بدون تضمین متقابل رسمی روی موضوع دفاع. افزایش همکاری نظامی بین کی یف و واشنگتن و در گسترش آن، بین اوکراین و جبهه آتلانتیست، روی مانورهای خشونت آمیز علیه منافع استراتژیک روسها بنیانگذاری شده است. با وجود این، وضعیت آنچنان بد نیست چرا که می توانست از این نیز بدتر باشد زیرا آمریکائی ها در نقشه های استراتژیک خودشان تصور کرده بودند که در حال حاضر پنتاگون کنترل کریمه را در اختیار خواهد داشت و در نتیجه در وضعیتی خواهد بود که می تواند یگانهای دفاع ضد موشکی و دیگر فن آوریهای بی ثبات ساز خود را مستقیماً در دروازه های روسیه مستقر کند. اشتباه نهائی در بینش غربی در کوران تدارکات جنگ ترکیبی، این بود که فکر می کردند روسیه بدون دفاع از منافع تمدنی، بشر دوستانه و ژئواستراتژیک خودش در کریمه واپس خواهد کشید (یا اگر واپس ننشست در باتلاق « بازگشت برژینسکی »⁹ خواهد افتاد)، البته همانگونه که امروز تاریخ گواهی می دهد، این یک اشتباه بزرگ بین بزرگترین اشتباهات دیگری بود که آمریکائی ها در محاسباتشان مرتکب شدند.

تعیین کننده های ژئواستراتژیک

سوریه :

سوریه از دیدگاه استراتژی کلان آمریکا حائز اهمیت بسیار زیادی است، زیرا می بایستی پایانه خط مشترک لوله های انتقال سوخت مایع¹⁰ «خط لوله های انتقال سوخت مایع دوستی» ایران و عراق را در خود جای می داد. این مسیر خط لوله برای ایران این امکان را فراهم می کرد که به بازار اروپا دسترسی داشته باشد و کاملاً رژیم مجازتهائی را خنثی کند که ایالات متحده در گذشته علیه این کشور به اجرا گذاشته بود. هم زمان با این طرح، یک طرح رقیب دیگر از سوی قطر برای ارسال گاز خودش از طریق عربستان سعودی، اردن، سوریه به اتحایه اروپا در جریان بود، که از ترکیه و یونان باید عبور می کرد. رئیس جمهور اسد ماهرانه این پیشنهاد قطر را برای وفاداری دراز مدت سوریه به هم پیمان ایرانی اش رد کرد. جنگ علیه سوریه پس از جنگ ترکیبی در بهار عرب با شدت بسیاری از سوی ایالات متحده و دولتهای خلیج

⁸ Andrew KORYBKO ,Shadow NATO Comes Out of the Closet
<https://orientalreview.org/2014/09/01/shadow-nato-comes-out-of-the-closet/>

⁹ پاورقی شماره 5

¹⁰ [Pipeline de l'Amitié](#)

[فارس] پشتیبانی شد، صرفاً به این هدف که کشوری را که از تبدیل شدن به ماهواره جهان تک قطبی سرپیچی می کند مجازات کنند.



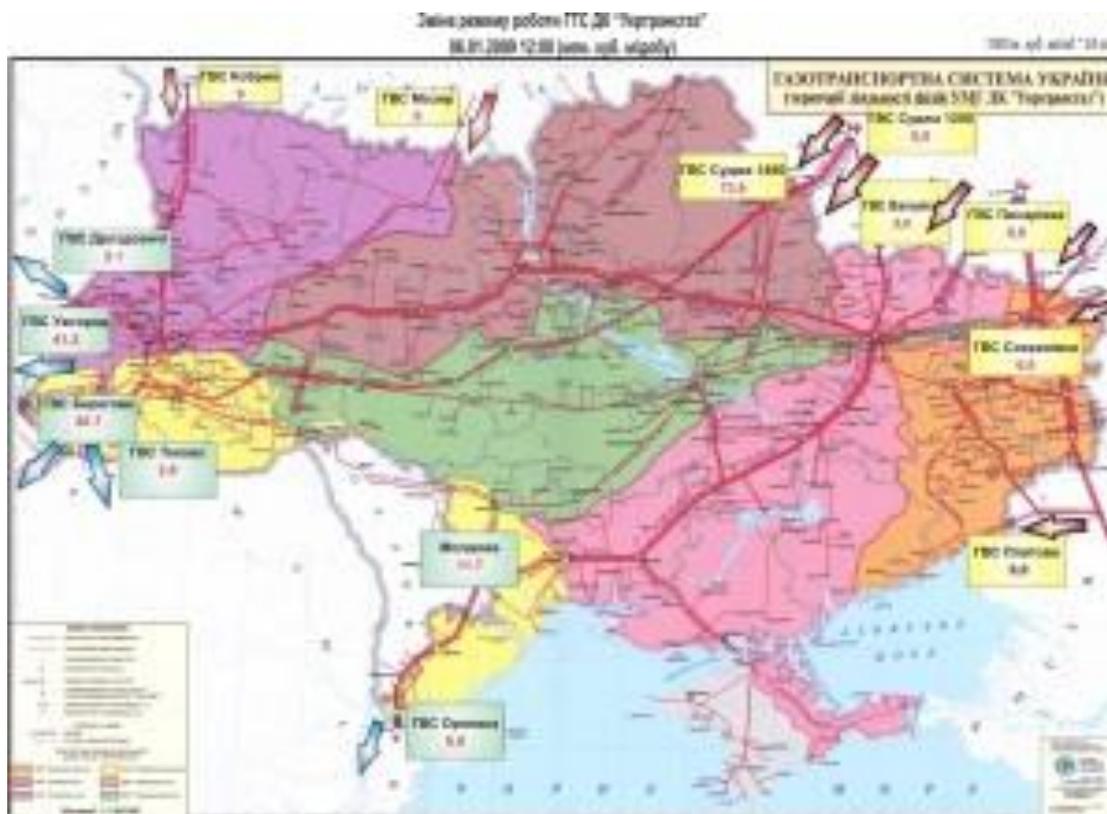
«خط لوله های انتقال سوخت دوستی» با تیترا «خط لوله های انتقال سوخت مایع اسلامی» (یا «پایپلین اسلامی»)»

اگر خط لوله های انتقال سوخت مایع دوستی به انجام می رسد یکی از مهمترین طرح های مشترک جهان چند قطبی فراملی جهان می بود، یکی از مهمترین راه های اتصالی فراملی که با عرضه انرژی و دالان سرمایه گذاری با وصل کردن ایران به اتحادیه اروپا به انقلابی در عرصه ژئوپلیتیک منطقه می انجامید. در نتیجه می توانست به تغییرات معنی داری در توازن نیروها در خاورمیانه منتهی شود، که در این بازی بازنده مطلق آن ایالات متحده و هم پیمانانش در خلیج [فارس] می بود. با درک تهدید شدیدی که این خط لوله های دوستی می توانست برای فرادستی ایالات متحده آمریکا از دهه ها پیش در منطقه داشته باشد، تصمیم گرفتند کاری کنند که این طرح هرگز به اجرا گذاشته نشود، چگونگی جلوگیری از آن نیز هیچ اهمیتی نداشت. این موضوع یکی از دلایل و بخشی از پشت پرده ایجاد «دولت اسلامی در عراق و سوریه» (ISIS) را توضیح می دهد. از این دیدگاه بازی ایالات متحده آمریکا خیلی روشنتر می شود: به این معنا که چرا بی ثبات سازی نه مصر بلکه سوریه را به اولویتهای خودشان تبدیل کردند، و چرا این همه منابع بی شمار را به این طرح اختصاص دادند، به علاوه سازمان ائتلاف بین المللی از طریق نیابتی برای کمک به آنها برای دستیابی به چنین هدفی.

اوکراین :

پافشاری ایالات متحده برای به دام انداختن اوکراین خیلی بیش از انگیزه های ژئواستراتژیک از ضروریات عینی نقاط تلاقی با امور ژئو اکونومیک معاصر الهام می گرفت. وقتی اردوی تروریسم شهری و مردمی شناخته شده مانند «Euro-Maidan» اروپا- میدان راه اندازی شد، ایالات متحده اوکراین را مجبور کرد که به یک/انتخاب تمدنی مصنوعی بین اتحادیه اروپا و روسیه تن بدهد. مسکو سه طرح به هم پیوسته مشترک فرا ملی و چند قطبی را به پیش برده بود، فروش گاز و نفت به اتحادیه اروپا، اتحادیه اورآسیائی و پل زمینی اورآسیائی (انرژی، نهادینه و اقتصادی، به شکل پی در پی)، که واشنگتن به هر قیمتی خواهان تضعیف آن بود. با یادآوری کلمه قصار پیشین به نقل از برژینسکی درباره اوکراین و بازتعریف آن توسط نویسنده این نوشته، کلمات بار معنایی بیشتری می گیرد: به این معنا که بدون اوکراین به عنوان بخشی از این شبکه از طرح های به هم پیوسته، مجموعه به شکل محسوسی ضعیفتر خواهد شد. کناره گیری اوکراین از معادله روی هر یک از طرح ها تأثیر می گذارد: این موضوع داد و ستد انرژی بین روسیه و اتحادیه اروپا را مسدود کرده و مشکلات پیچیده پیشینی ناپذیری را برای هر دو طرف به وجود می آورد، در نتیجه بازاری مهم و جمعیتی فعال را از حوزه کارکرد اتحادیه گمرکی خارج می کند، و چنین رویدادی تمرکز مجدد زیربناها را فقط روی بلاروس ضروری می سازد، یعنی فضائی نسبتاً کوچکتر و از دیدگاه اقتصادی کم اهمیت تر که به این ترتیب به گلوگاه خفه کننده ژئوپلیتیک معنی دارتر از گذشته برای حرکات ضد روسی از سوی غرب¹¹ تبدیل می شود. به عنوان امتیاز مکمل در شکار قاچاقچیگرانه اوکراین بیرون از مدار حوزه روسیه، ایالات متحده در وضعیتی قرار گرفت که زنجیره ای از رویدادهای مضمونی از پیش تعیین شده (البته، به استثناء ضمیمه کردن کریمه) را به حرکت انداخت که محرک جنگ سرد جدیدی بود که آرزوی راه اندازی آن را داشت.

¹¹ [actions anti-russes de l'Occident](#)



نقشه ساخت و ساز انتقال گاز در اوکراین

ایالات متحده این طرح را به هدف ایجاد مانع ظاهراً عبورناپذیر بین روسیه و اتحادیه اروپا می خواست به اجرا گذارد، با آگاهی به این امر که مشکلات امنیتی (نظامی، انرژی، اقتصادی و از دیدگاه استراتژیک) قابل پیشبینی به شکل فوق العاده ای همکاری بین آنها را مختل خواهد کرد و بروکسل را در بازی برنامه ریزی شده قدرت سنگین تک قطبی ایالات متحده آسیب پذیر خواهد کرد. ایالات متحده برای حفظ موضع فرادست مدارانه خود روی اروپا باید سناریوئی می اندیشید که بتواند بین روسیه و اروپا را برای دراز مدت جدائی بیاندازد و این جدائی می بایستی تا جائی که ممکن است شدید باشد تا شانس سه طرح کنترل ضروری ذیل را بتواند به اروپا تحمیل کند :

1. گسترش دائمی ناتو در وضعیت آماده باش در شرق (کنترل نظامی).

2. صادرات گاز طبیعی مایع آمریکائی به اروپا و فراخوان به راه های انرژی جالب که متعلق به روسیه نباشد مانند دالان گاز جنوب^{۱۲} (کنترل عرصه انرژی).

¹² [corridor gazier sud](#)

3. و همکاری برای تجارت و سرمایه گذاری فرا آتلانتیک (TTIP) که بین همه امتیازاتی که به ایالات متحده اعطا می کند، برای اروپا توافق مبادله آزاد دیگری را بدون تأیید واشنگتن به امری امکان ناپذیر تبدیل می سازد (کنترل اقتصادی).

در کل، این سه عامل برای تقویت بزرگترین اهداف استراتژیک ایالات متحده در نظر گرفته شده اند که در پیوند تنگاتنگ بایکدیگر بوده و باید در عین حال چشم انداز توفیق خاص خودشان را افزایش دهند. این برخورد تمدن‌هاست که به شکل تصنعی بین غرب و اورآسیا و روسیه «شوک» وارد می کند، که بر اساس همین نظریه [برخورد تمدنی] ایالات متحده از این پس از اتحادیه اروپا انتظار دارد که از روسیه بترسد و در نتیجه بی درنگ به آغوش عمو سام پناه ببرد که گوئی «مدافع تمدن غربی» نیز هم اوست. این همان طرح نهائی ست که ایالات متحده می خواهد آن را در اروپا به انجام رساند، و توفیق اجرای آن در کنار سه عنصر کلیدی (ارتش، انرژی و مسائل اقتصادی ترسیم شده در بالا) شرایطی را برای تسلط فرادست مدارانه چند نسلی در اروپا به وجود می آورد، و در نتیجه برای دهه ها شانس ضد حمله چند قطبی علیه ایالات متحده خنثی خواهد شد.

شکندگی ساختار اجتماعی سیاسی - سوریه

منشأ قومی :

دست کم 90% جمعیت سوریه عرب هستند در حالی 10% باقیمانده غالباً از کُردها تشکیل شده است. از دیدگاه جنگ ترکیبی، می توانیم تصور کنیم که چنین وضعیتی می تواند برای بی ثبات سازی دولت کارائی داشته باشد، ولی چند عامل مانع ارتقاء ظرفیت آن در حد و حدودی شد که آمریکائی ها انتظار داشتند. پیش از همه، مردم سوریه به دلیل میراث فرهنگی خیلی میهن دوست هستند و غالباً مخالفت پر شوری علیه اسرائیل ابراز می کنند. در نتیجه، در حالی که تعدد افکار سیاسی و شخصی در بطن جامعه غالباً تک قومی امر روشنی ست ولی هرگز امکال واقعی برای قیام خشونت آمیز علیه دولت وجود نداشت، به همین علت ضروری بود که برای برآوردن نیازهایشان در جنگ ترکیبی تعداد زیادی از تروریستها و مزدوران شبه نظامی بین المللی را از خارج وارد میدان نبرد سوریه کنند.

دین :

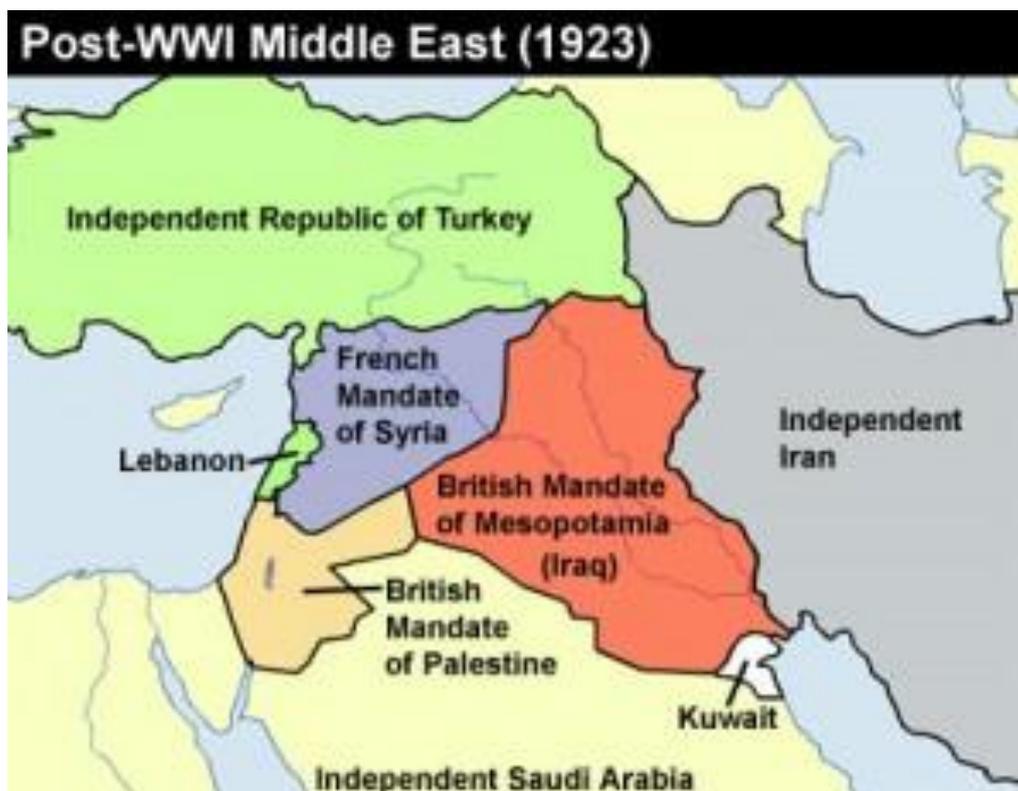
جمعیت سوریه اکثرأ اهل سنت هستند، ولی یک اقلیت مهم علوی نیز وجود دارد که به شکل سنتی پستهای مختلف مدیریت را در بطن دولت و ارتش در اختیار دارد. این موضوع پیش از این هرگز هیچ مشکلی به وجود نمی آورد، ولی پیش شرط اجتماعی هدایت شده از خارج (در اینجا، سازماندهی شده توسط دولتهای خلیج [فارس]) گروه های مردم را به تفکر فرقه ای تشویق کردند و این کار با پایه ریزی روانشناختی برای گسترش استراتژی تنش تکفیریست پس از مرحله ای از انقلاب رنگی در سال 2011 شروع شد تا بین برخی از عناصر داخلی ریشه بدواند. سپس، حتا اگر پیش از این فرقه گرائی هیچ گاه در جامعه سوریه جایی نداشته و هم چنان امروز نیز نیروی مهمی بحساب نمی آید (با وجود 5 سال^{۱۳} تحریک تروریستی با انگیزه های مذهبی) ولی به عنوان شعار همبستگی برای بازسازی صفوف جهاد طلبان خارجی مورد استفاده قرار گرفت و پوشش مطلوبی شد برای ایالات متحده و هم پیمانانش تا شعار رئیس جمهور اسد «نماینده مردم نیست» تا در نتیجه [همه این تلاشها] سرنگونی او مقبولیت عام پیدا کند.

تاریخ :

قدمت تاریخی سوریه بیش از هزار سال و یکی از غنی ترین تمدنها طی قرون و اعصار است. در نتیجه، احساس خدشه ناپذیر میهن دوستی نزد شهروندان این کشور با چنین واقعیت تاریخی درآمیخته که بعدها کارائی خود را به مثابه یکی از بارزترین ابزارهای دفاعی علیه جنگ ترکیبی به تماشا گذاشت (همبستگی تمدنی). روشن است که استراتژهای آمریکائی در پژوهشهای مقدماتی و آماده سازی سوریه به این موضوع پی برده بودند ولی خیلی به سادگی اهمیت آن را دست کم پنداشته و به ویژه با این پندار که می توانند با بازگشت موفقیت آمیز به سالهای کودتاهای پی در پی و بی ثبات زا دست به تحریکاتی بزنند که به دوران پیشا حافظ اسد [پدر بشار اسد] تعلق دارد. ولی [خلاف محاسبات این استراتژها]، اکثریت مردم سوریه می دانستند و صادقانه سهم خاندان اسد در ایجاد ثبات و توفیق کشورشان را تحسین می کردند و نمی خواستند دست به کاری بزنند که کشورشان را به سالهای تاریکی بازگردانند که پیش از ارتقاء سیاسی این خاندان در حکومت تجربه کرده بودند.

¹³ مترجم : تاریخ این نوشته سال 2016 و امروز می توانیم بگوئیم پس از 8 سال

دولت :



میراث مختصر «مرزهای دولتهای مختلف»^{۱۴} در کوران اشغال فرانسوی به پیش زمینه ژئوپلیتیک آمریکائی ها برای باززائی تجزیه رسمی یا فدرالی سوریه تبدیل شد. حتی اگر بخش مهمی از خاطره تاریخی این دوران در روان سوریهای معاصر زوده شده باشد (مگر برای پرچم تروریستهای ضد دولتی که مربوط است به دوران قیومیت [و استعمار فرانسوی])، به این معنا نیست که هیچ امکانی برای کاربست مجدد آن در آینده و توجیه چنین امری به عنوان یادمانده تاریخی و تحریک این پیش زمینه با هدایت از خارج وجود ندارد. مداخله ضد تروریستی روسیه در سوریه امکان تجزیه رسمی کشور را خنثی کرد، ولی مسابقه کنونی برای رقه^{۱۵} به این معناست که نیروئی که پایتخت تروریستها را تسخیر کند بهترین کارتها را برای تعیین ترکیب داخلی دولت پسا جنگ در اختیار خواهد داشت، و این امکان را برای ایالات متحده و عواملش فراهم

¹⁴ [limites administratives distinctes](#)

ویکیپدیا : دولت العلویین دولتی است که [قیمومت فرانسه بر سوریه](#) در بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۶ در سواحل دریای مدیترانه) امروز شامل دو استان [لاذقیه](#) و [طرطوس](#) است) به وجود آورد. فرانسه سواحل سوریه را در خلال [جنگ جهانی اول](#) سال ۱۹۱۸ به تصرف خود درآورد؛ و [جامعه ملل](#) «اقلیم العلویین» را به قیمومت فرانسه در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۲۰ بخشید. در ابتدا این اقلیم دولت خودگردان در زیر نظر این قیمومت بود تا در ۱ ژوئیه ۱۹۲۲ اقلیم العلویین با فدرال سوریه زیر نظر این قیمومت ادغام شد. در ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۳، این دولت [سنجاق لاذقیه](#) و پایتخت آن نیز شهر [لاذقیه](#) اعلام شد، و در ۱ ژانویه ۱۹۲۵ اسمش به طور رسمی به دولت العلویین تغییر نام یافت؛ و در ۲۲ سپتامبر ۱۹۳۰، دوباره به اسم قبلیش [سنجاق لاذقیه](#) نامگذاری شد و جمعیت آن نیز در تاریخ مذکور ۲۷۸،۰۰۰ تن بوده است. این دولت، ۵ دسامبر ۱۹۳۶-۳۷ در نهایت جزء کشور [سوریه](#) اعلام شد.

¹⁵ [pour Raqqa](#)

می کند تا راه حل فدرالیستی را به سوریه تحمیل کند که با پشتیبانی آمریکا به ایجاد مناطق وسیع خود مختار خواهد انجامید.

شکاف اجتماعی و اقتصادی :

سوریه پیش از جنگ دارای توزیع نسبتاً متعادلی در نماگر های اجتماعی و اقتصادی بود، با وجود تداوم قاعده کلیشه ای در مناطق شهری که کلاً توسعه یافته تر از مناطق روستائی ست. گرچه مناطق روستائی ستون اغلب مناطق جغرافیائی کشور را تشکیل می دهند، فقط یک بخش از جمعیت در آنجا ها زندگی می کنند، اغلب سوریها در طول دالان شمال به جنوب در غرب حلب، حما، حمص و دمشق ساکن هستند در حالی که بخشی از جمعیت سوریه که از دیدگاه استراتژیک حائز اهمیت هستند غالباً در مناطق ساحلی لاذقیه زندگی می کنند. تا سال 2011، سوریه در حفظ رشد اقتصادی اش موفق بود، و اگر جنگ ترکیبی علیه این کشور به راه نمی افتاد هیچ دلیل وجود نداشت که این روند رشد متوقف شود. در نتیجه، گرچه در دوران پیش از جنگ شکافهای اجتماعی و اقتصادی مطمئناً در سوریه وجود داشته، ولی بخوبی از سوی دولت مدیریت می شد (تا حدودی به دلیل تمایلات نیمه سوسیالیستی دولت) و به هر روی عنصری نبود که ایالات متحده بتواند از آن بهره برداری کند.

جغرافیائی :

این یکی از خصوصیات است که بهتر از همه به نفع جنگ ترکیبی علیه سوریه عمل می کند. این عنصر انقلاب رنگی روی دالان شمال-جنوب در غرب با جمعیتی پر تراکم که پیش از این توضیح دادم تمرکز یافته بود، در حالی که مناطق جنگی نامتعارف توفیق خود را در مناطق روستائی خارج از این منطقه (دالان شمال - جنوب در غرب) جستجو می کرد. مقامات [سوری] طبیعتاً برای پاسخگوئی همزمان به نیازهای امنیتی شهرها و روستاها به مشکل برخورد کرده بودند، و حجم پشتیبانی هائی که ایالات متحده و هم پیمانانش در خلیج [فارس] از طریق ترکیه برای تروریستها می فرستادند موقتاً تعادل وضعیت نظامی را مختل کرد و به بن بست انجامید که نخستین سالهای جنگ را تحت تأثیر قرار دارد (با پیشروی و واپس نشینی مواضع و تغییرات چشم گیری که گهگاه به وقوع می پیوست). در این مدت، به این علت که ارتش عرب سوریه می بایستی روی محور مسائل امنیتی دالان تراکم جمعیت متمرکز می شد و به فوریت به آن پاسخ می گفت، دولت اسلامی در عراق و شام (ISIS- Islamic State of Iraq and the Levant) در وضعیتی قرار گرفت که توانست پیشرفتهای نظامی متعارفی را به سرعت در دشتها و صحراهای بخش شرقی کشور به ثبت رساند که از دیدگاه لژیستیک مدیریت آن ساده بود و به سرعت خلافت خود را بر پا کرد که نتایج آن موتور جریان رویدادهای کنونی در سوریه است.

شکندگی ساختارهای اجتماعی و سیاسی – اوکراین

منشأ قومی :

عامل جمعیتی اوکراین بین شرق و غرب، روسها و اوکرائینی ها خیلی شناخته شده است و به شکل گسترده درباره آن بحث کرده اند در متن جنگ ترکیبی، این تقسیم بندی جمعیتی تقریباً جراحی شده (به استثناء کثرت روسها در اودسا و در اکثریت کریمه) فرصت بسیار مناسبی برای طراحان استراتژیهای آمریکائی بود، زیرا این موضوع دوگانگی جمعیتی ریشه داری ایجاد کرد که توانست به سادگی در سر بزنگاه مورد استفاده قرار گیرد.

دین :

در اینجا نیز یک شکاف جغرافیائی تقریباً کامل بین شرق و غرب وجود دارد، با ارتدکس های روسی و کلیساهای ارتدکس اوکرائینی که دو گروه مهم از جمعیت کشور را نمایندگی می کنند. دورتر به سمت غرب، کلیسای کاتولیک شرقی^{۱۶} و کلیساهای کاتولیک، بطور کلی مرتبط هستند با سرزمینهای قدیمی در دومین جمهوری لهستان بین دو جنگ [اول و دوم جهانی]. فرقه گرائی در مسیحیت نشان آشکاری برای فراخوان همبستگی در اروپا – میدان (Maidan) نبود، ولی طرفداران افراطی از پیروزی کودتا به مثابه پوششی برای تخریب کلیساهای ارتدکس روسی استفاده کردند و مذاهب دیگر در اردوی ملی که هدفش تحریک پاکسازی قومی و فرهنگی^{۱۷} جمعیت روسی بود.

¹⁶ مترجم : ویکیپدیا: کلیسای کاتولیک شرقی (با در برخی مواقع آن را اونیات uniate می نامند) کلیساهای مستقل و خود مختار و در عین حال تأثیر پذیر از پاپ هستند این کلیسا به همراه کلیسای لاتین کلیسای کاتولیک را تشکیل می دهند.

¹⁷ [nettoyage ethnique et culturel](#)



مترجم : صدها هزار اوکرائینی در جستجوی پناهندگی به روسیه هستند تا از حرکات نظامی مجازات کننده «دولت انقلابی» کی یف بگریزند.

تاریخ :



دولت اوکراین مدرن مخلوطی است مصنوعی از سرزمینهایی که پی در پی رهبران روسی و شوروی واگذار کرده اند. سرشت ذاتی در منشأ ساختگی اوکراین با موجودیتی که دائماً زیر سؤال رفته مصیبت آشکاری است، و گسترش ارضی پس از جنگ دوم جهانی نیز داده ها را باز هم از آنچه هست پیچیده تر می کند. نا سیونالیستترین بخش اوکراین مدرن بخشی از لهستان دوران بین دو جنگ جهانی و پیش از این جزء

امپراتوری اتریش و لهستان بوده و ساکنانش با این سابقه تاریخی نسبت به بخشهای مرکزی یا شرقی کشور خاطره تاریخی کاملاً متفاوتی را حفظ کرده اند.

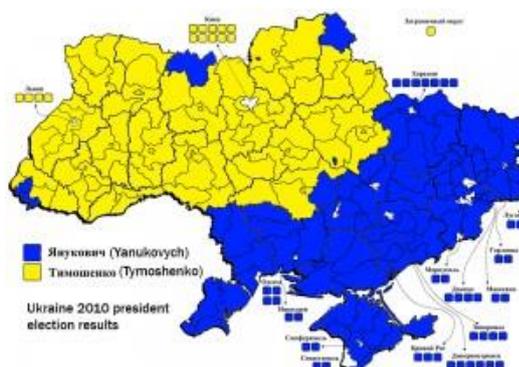
گروه های اقلیت مجارستانی و رومانیایی که در مناطق جدیداً ضمیمه شده زندگی می کنند (که متعاقباً از چک سلواکی و رومانی ضمیمه شده) در عین حال طبیعتاً هویتی متفاوت از دولتی دارند که فقط به یک فشار کوچک انگشت نیاز داشت تا کاملاً در سطح شناور شود.

همان گونه که در جنگ ترکیبی از آن پشتیبانی کردند و در گزارشات نیوزویک Newsweek نیز تأیید شده است، چند روز پیش از کودتا (که به شکل شگفت آوری از سایت وب آنان حذف شد، ولی در web.archive.org قابل پی گیری ست)، منطقه قومی و مذهبی که از دیدگاه تاریخی از اوکراین غربی جدا می باشد کاملاً علیه رئیس جمهور ویکتور یانوکوویچ در حال شورش بود، و اتفاقی نیست اگر وجوه جنگ نامتعارف این اردوی تغییر رژیم از این بخش خاص از کشور شروع شد.

مرزهای رسمی :

تقسیمات درونی اوکراین دقیقاً مصادف است با مرزهای رسمی روی چندین موضوع که می تواند یا شکاف قومی، فرقه گرائی مسیحی، مناطق تاریخی و یا نتایج انتخاباتی باشد، و این موضوع ضریب نامتقارن نهائی بود که استراتژیهای آمریکائی را متقاعد کرد که جنگ ترکیبی را می توانند به راحتی در اوکراین راه اندازی کنند. اگر کودتای نابهنگام در پایان فوریه 2014 صورت نمی گرفت، به احتمال قوی ممکن بود ایالات متحده از آشفتگی بی سابقه آسب پذیری های اجتماعی و سیاسی در اوکراین برای جدا سازی فیزیکی طبیعی بخش غربی کشور از مابقی طرفداران دولت استفاده کند، ولی فقط در صورتی که یانوکوویچ می توانست در مقابل تروریستهای طرفدار تغییر رژیم پیوسته پایداری و مواضعش را در مناطق غیر شورشی تحکیم کند.

شکافهای اجتماعی و اقتصادی :



نقشه انتخابات 2010

اوکراین مشابه سوریه است به این معنا که توزیع تقریباً مشابه نماگرهای اجتماعی و اقتصادی وجود داشت، ولی خلاف جمهوری عرب سوریه با ثروت فروتنانه اش، دولت اروپای شرقی در عین حال فقر را بین شهروندانش تقسیم کرده بود. بخش بزرگی از اوکرائینی هائی که در فقر فرو رفته یا خیلی به آن نزدیک بودند دره وسیعی برای استخدام فعالان ضد دولتی و به خدمت گرفتن آنان توسط رهبران سازمان های غیر دولتی در انقلاب رنگی ارو-میدان (euro-maidan) فراهم کرد، و نبود هر گونه میهن دوستی ریشه دار در تمدن یا در ابعاد ملی (بجز تمایلات انحرافی فاشیست به نمایندگی پرآوی سکتور Pravy Sektor و دیگران) به این معناست که ضمانت اجتماعی وجود ندارد تا از ظهور گروه های متعدد شورشی جلوگیری کند، و می تواند از پیش سازماندهی شود و در وقت مناسب و سر بزنگاه گسترش داده شوند.

جغرافیای طبیعی :

در دوران پیش از جنگ، یگانه بخش از اوکراین با جغرافیای متشکل از دشت کریمه است که از دیدگاه فنی بیشتر به شکل جزیره عمل می کرد تا شبه جزیره. این موضوع یعنی وضعیت جغرافیائی جمهوری خود مختار به شکل مزاح آمیزی به ضرر ایالات متحده تمام شد زیرا به ساکنانش کمک کرد که به شکل طولانی مدت از خودشان دفاع کنند و برای جدائی از دولت ورشکسته اوکراین رأی بدهند، بر این اساس بود که اشتباه تاریخی خروشچوف را ترمیم کردند و سرانجام به برادرانشان در روسیه پیوستند. این عناصر جغرافیائی مساعد در دونباس وجود نداشت، و موجب شد که اقدامات دفاعی میهن دوستان برای دفاع از سرزمینشان به مانع برخورد کند و در مقابل حملات متعدد کی یف خیلی بیشتر آسیب پذیر باشند. در محیط پیش از کودتا، جغرافیای بدون مانع اوکراین برای «انقلابی های» غربی کمال مطلوب بود زیرا پس از اینکه کی یف به اندازه کافی اسلحه، تجهیزات و خودروهای پاسگاه های پلیس و پادگانهای نظامی^{۱۸} را به غارت می برد و انبار می کرد، می توانستند جنگ برق آسا را به شیوه دولت اسلامی در عراق و سوریه (ISIS) آغاز کنند.

پیش شرط و آماده سازی :

این موضوع فراتر از چارچوب نوشته حاضر است و نمی توانیم به شکل جامع در اینجا به وجوه مختلف پیش شرطهای آماده سازی اجتماعی در جنگ ترکیبی پردازیم، ولی بطور کلی می توانیم سه عامل توده ای را در نظر بگیریم، مسائل اجتماعی و رسانه ها-آموزش- سازمانهای غیر دولتی. جزئیات موضوع پیش شرطهای ساختاری کمی متفاوت هستند، به این علت که در خارج از فشار مجازاتها قرار دارند. عنصر دیگری که به شکل گسترده در بخش 1^{۱۹} مورد بررسی قرار گرفته (به ویژه هرج و مرج در بازار انرژی)

¹⁸ [casernes militaires](#)

¹⁹ آندریوف کوریپکوک جنگهای ترکیبی. 1. قانون جنگ ترکیبی.

تا سال گذشته به وقوع نپیوسته بود و در نتیجه جزء عوامل شروع کننده دو جنگ ترکیبی که بررسی کردیم نبوده است. با وجود این، عناصر خاص دیگری مطمئناً برای هر یک از این دو دولت وجود داشته است، صندوق های خالی اوکراین به دلیل بزهکاری بومی و انگلی، و سوریه که باید دائماً بین نیازهای نظامی برای دفاع در مقابل اسرائیل و تعهدات اجتماعی اش در مقابل مردم سوریه تعادل ایجاد کند (بازی روی ریسمان که در طول دهه ها با موفقیت انجام شد).

لینک متن اصلی :

<https://lesakerfrancophone.fr/guerres-hybrides-2-testons-la-theorie-en-syrie-et-en-ukraine>

ترجمه حمید محوی

پاریس 26 نوامبر 2019